

«باسمه تعالی»



دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی

ستاد علم و فناوری

معاونت آموزش و پژوهش

سلسله نشست‌های تخصصی تحول در حکمرانی آموزش عالی

گزارش نشست سوم:

سیاست پژوهی نظام ارتقای مرتبه اعضای هیأت علمی و ارائه آئین‌نامه پیشنهادی

سخنران:

صالح رشید حاجی خواجه لو، رئیس پژوهشکده سیاست پژوهی و مطالعات راهبردی حکمت

نشست سوم از سلسله نشست های تحول در حکمرانی آموزش عالی با موضوع «سیاست پژوهی نظام ارتقای مرتبه اعضای هیأت علمی و ارائه آئین نامه پیشنهادی» در روز سه شنبه ۲ آبان ۱۴۰۲ از ساعت ۱۵ تا ۱۷ در شورای عالی انقلاب فرهنگی و به صورت وبینار برگزار شد. شرکت کنندگان مجازی در وبینار ۶۰ نفر بودند و ۱۰ نفر هم به صورت حضوری در نشست حاضر بودند. در ابتدای نشست دکتر سلیمی معاون ستاد علم و فناوری بیان داشتند آیین نامه ارتقاء یک سند حکمرانی راهبردی است. ایشان ضمن تاکید بر نقاط قوت آیین نامه قبلی افزودند از تصویب آیین نامه قبلی ۸ سال گذشته است و اقتضائات محیط داخلی و خارجی زیست بوم علمی و دانشگاهی کشور تغییر کرده، لذا با یک بررسی جامع ضمن حفظ دستاوردهای علمی گذشته باید خیز جدید علمی را رقم بزنیم و علم نافع بومی برای حل مسائل جاری و آتی کشور داشته باشیم و انسانهایی مهذب و کارآمد در سطوح مختلف اداره کشور تربیت کنیم. در ادامه، جناب آقای دکتر صالح رشید حاجی خواجه لو، رئیس پژوهشکده سیاست پژوهی و مطالعات راهبردی حکمت، به کلیات طرح برنامه تحول حکمرانی نظام آموزش عالی، علم و فناوری و نوآوری کشور (با تمرکز بر حوزه مأموریتی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) که با انجام ۱۵ پروژه سیاست پژوهی در پژوهشکده حکمت و با هدف و محوریت تحقق مأموریت گرای، پاسخگویی و نقش آفرینی در حل مسائل، رفع نیازها و پیشرفت کشور و کسب مرجعیت علمی طراحی شده است، پرداخته‌اند و در ادامه به سیاست پژوهی و آسیب شناسی نظام ارتقای مرتبه اعضای هیأت علمی و ارائه آئین نامه پیشنهادی پژوهشکده حکمت در این خصوص پرداختند. گزارش تفصیلی ذیل به مباحث این نشست پرداخته است:

تحول در آموزش عالی؛ ویژگی ها و الزامات:

رئیس پژوهشکده حکمت، با بیان اینکه تحول دارای ویژگی ها و الزاماتی است، مبتنی بر بینات مقام معظم رهبری، برخی از ویژگی های تحول را شامل: گرایش به سمت بهتر شدن، شتاب در حرکت ها، شناسایی نقاط قوت، حفظ هویت در ضمن حرکت رو به جلو، دفعی نبودن و تدریجی و تکاملی بودن تحول، و اینکه تحول در بازه بلند مدت اتفاق می افتد، برشمردند. وی برخی از الزامات تحول از جمله تحول در نظام حکمرانی آموزش عالی را نیز چنین برشمردند:

- داشتن جهان بینی (هر برنامه ای که برای تحول طراحی می شود، حتماً باید بر مبنای یک جهان بینی باشد)؛
- هدفمندی تحول (در برنامه پیشنهادی تحول آموزش عالی، هدف را تحقق مأموریت گرای، پاسخگویی و نقش آفرینی در حل مسائل، رفع نیازها و پیشرفت کشور و کسب مرجعیت علمی در نظر گرفته شده است)؛

- رهبر تحول باید فرمانده داخل میدان باشد (یعنی هم به لحاظ نظری و هم عملی به تحول اعتقاد داشته باشد)؛
- عدم ترس از تحول و مخالفت‌ها و دشمنی‌ها؛
- داشتن پشتوانه فکری؛
- الگو و برنامه عملیاتی (طرح کلان داشته باشد و پیوست و برنامه‌های عملیاتی آنها دیده شود).

جایگاه آموزش عالی و علم و فناوری در پیشرانی نظامات کشور

ایشان در ادامه با اشاره به فرمایش حضرت امام (ره)، مبنی بر اینکه، «مبداء همه تحولات و مقدرات یک کشور، دانشگاه است»، به جایگاه دانشگاه و حکمرانی نهاد علم در پیشرانی حکمرانی علمی کشور پرداختند و فرمایش امام (ره) را در قالب استعاره «دانشگاه به مثابه لوکوموتیو» چنین تبیین نمودند:

در اینجا نهاد دانشگاه به مثابه لوکوموتیو و واگن‌های آن به مثابه دستگاه‌های صنعتی، فرهنگی و اجرایی کشور است. اگر این لوکوموتیو که دانشگاه هست، نقص فنی داشته باشد، واگن‌ها به حرکت در نمی‌آیند. ما صرفاً بدنه لوکوموتیو (نهاد و ساختار دانشگاه) را وارد کشور کرده‌ایم، ولی باقی مباحث که موتور (مبانی و ارزش‌های علم و فناوری، ریل‌ها (سیاست‌ها و قوانین و اسناد بالادستی علم و فناوری)، لوکوموتیوران (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزات بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، معاونت علمی و فناوری و اقتصاد دانش‌بینان ریاست جمهوری) و چرخ‌های لوکوموتیو (دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور و شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان) را مناسب و متناسب تعیین و طراحی نکرده‌ایم. ما بیشتر از کشش لوکوموتیو برایش چرخ که همان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور و شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان است، گذاشته‌ایم. بنابر آمارهای مختلف، ۲۵۰۰ تا ۲۶۰۰ دانشگاه داریم، فقط سر و صدا دارند. خیلی از اینها، از دانشگاه، صرفاً عنوان و تابلو دانشگاه را دارند. ما متناسب با نظام ارزشی جامعه و علم و فناوری نیامدیم، ریل‌های لوکوموتیو را طراحی کنیم. این‌ها وظایف سوزن‌بان (مجلس شورای اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی و غیره) بوده است. اگر لوکوموتیوران جای خودش بنشینند و درست ریل‌گذاری شود، دانشگاه مسیرش، دانشگاه نافع و مأموریت‌گرا خواهد بود. در غیر اینصورت دانشگاهی است با دیدگاه آموزش برای آموزش، پژوهش برای پژوهش و غیره.

مبانی، چارچوب و محورهای برنامه تحولی پیشنهادی پژوهشکده حکمت برای تحول حکمرانی نظام آموزش عالی و علم و فناوری:

آقای رشید حاجی خواجه لو در ادامه نشست و بحث خود، به چارچوب برنامه تحولی پیشنهادی پژوهشکده حکمت برای حکمرانی نظام آموزش عالی و مبتنی بر فرایند پنج‌گانه تحقق اهداف انقلاب اسلامی (انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی) در نگاه رهبر معظم انقلاب پرداختند و افزودند:

ما طبق فرمایش مقام معظم رهبری، در مرحله دولت اسلامی قرار داریم و هر دولتی دارای دو رکن اساسی شامل نظامات و عرصه‌های دولت و کارگزاران دولت است، اما آن چیزی که در

اینجا ماهیت دولت‌ها را از هم متمایز می‌کند محتوای برنامه‌ها و سیاست‌های دولت‌هاست. لذا رکن برنامه‌ها و سیاست‌ها از دو رکن فوق نیز مهم‌تر است.

رئیس پژوهشکده حکمت با بیان اینکه در بحث نظامات و عرصه‌های دولت تاکنون کارهای خوبی انجام شده، ولیکن سیاست‌های علمی کشور به یک برنامه عملیاتی منجر نشده است و نباید بحث تحول در شورا در قالب سند بماند و باید اجرایی شود، افزود:

چند سال پیش یکی از دانشجویان، سؤالی را از مقام معظم رهبری می‌پرسد که از نظر شما کمبودهای نظام و اداره کشور به نظامات مربوط می‌شود یا کارگزاران؟ که ایشان می‌فرمایند به کارگزاران بر می‌گردد. این جاست که اهمیت کارگزاران آموزش عالی مشخص می‌شود. کارگزار نظام با یک تصمیم غلط می‌تواند مسیر انقلاب را تغییر دهد و به سمتی ببرد که مسیر نظام نباشد. چیزی که به کارگزاران جهت می‌دهد، محتوا یا همان برنامه و سیاست‌ها است. اگر ما می‌گوییم حکمرانی آموزش عالی علاوه بر نظام‌ها و کارگزاران آموزش عالی کشور، باید برنامه و سیاست‌ها را هم ببینیم. بنابراین، متناسب با سه سطح فوق (یعنی نظامات، کارگزاران و برنامه‌ها و سیاست‌ها)، نقشه راه تحول آموزش عالی نیز در پژوهشکده حکمت در این سه سطح طراحی شده است. وی معتقد است که تحول آموزش عالی صرفاً با بازنگری آیین نامه ارتقاء، آمایش آموزش عالی و اصلاح سنجش و پذیرش دانشجو و امثال آن اتفاق نمی‌افتد، بلکه در بحث نهاد و ساختار، کارگزاران و برنامه‌ها باید تحول ایجاد شود.

آقای رشید در ادامه به تبیین کلیات برنامه تحولی پیشنهادی پژوهشکده حکمت پرداختند و افزودند:

در بحث نهاد و ساختار؛ نگاهت سیاستی، موضوعی و نگاهت مأموریت‌ها مبتنی بر سیاست‌های کلی نظام در حوزه‌های مختلف که از سوی رهبر معظم انقلاب ابلاغ شده است، طراحی شده و در بحث کارگزاران، نیز مناصب کلیدی احصاء شده است. برای این مناصب باید کادرسازی شود یا کادریابی. کادرسازی برنامه بلندمدت است، پس ما از کادریابی شروع کردیم. در این راستا، افرادی که در مجموعه‌های مختلف و مرتبط نظام آموزش عالی و علم و فناوری مسعول بودند، شناسایی شده و رزومه آنها بررسی و آمایش شده و بر اساس آن افراد برای مناصب کلیدی را پیشنهاد دادیم. پس از آن ما برای رسیدن به برنامه‌ها، نظام مسائلی را طراحی کردیم که الگوی تدوین آن چهار مرحله دارد؛ مرحله اول «شناسایی مشکلات آموزش عالی»، مرحله دوم «مسئله‌یابی آموزش عالی (بررسی علل ظهور مشکلات)»، مرحله سوم مسئله‌بندی (لایه‌بندی و الویت‌بندی مسائل و تعیین مسائل قانونی و گلوگاهی)، و مرحله چهارم طراحی دستورکار

(طراحی برنامه و راه حل برای حل مسائل کانونی و گلوگاهی). متناسب با این مراحل؛ از طریق مصاحبه با کارگزاران آموزش عالی، صاحب نظران، بررسی بیانات مقام معظم رهبری و اسناد بالادستی و تحلیل کلان روندهای جهانی و مطالعه پژوهش‌ها و سیاست پژوهی انجام شده در کشور، ابتدا ۲۲ مشکل شناسایی و احصاء شد و سپس در مرحله دوم به مسئله‌یابی و یا چرایی وجود مشکل پرداخته شد و ۱۷۹ مسأله ذیل ۲۲ مشکل شناسایی گردید. در مرحله بعدی و بر اساس یک سری شاخص‌هایی همچون؛ گلوگاهی بودن مسائل، پیامدهای حل این مسائل و بررسی روابط علی و معلولی دسته بندی اولیه انجام شد و به ۴۷ مورد مسأله رسیدیم. در مرحله نهایی مسائل اصلی تر که کانونی و گلوگاه هستند و با حل آنها بسیاری از مسائل حل می‌شود، با استفاده از بارش فکری با حضور اساتید و مسئولان آموزش عالی که در ادوار مختلف مسئولیت داشتند، در پنج لایه اصلی لایه‌بندی گردید. بر اساس این مسائل، ۲۱ راهبرد تحولی شناسایی شد که ۱۶ راهبرد در سطح وزارتخانه است و ۵ تا فراوزارتخانه‌ای است. ۵ مسئله کانونی و گلوگاهی به شرح ذیل لایه‌بندی شد:

- لایه اول مسئله: **عدم استقرار آمایش آموزش عالی، علم و فناوری** است که در لایه اول تحول آموزش عالی و ۲۰٪ مسأله ماست، ولی ۸۰٪ اثرگذاری بر سایر مسائل آموزش عالی (مسائل ۱۷۹ گانه) دارد؛ استقرار آموزش عالی «بستر اصلی» تحول است و زمینه لازم برای تحول در سایر حوزه‌ها از جمله؛ مأموریت‌گرایی در سنجش و پذیرش دانشجو و تربیت نیروی انسانی، مأموریت‌گرایی در جذب اعضای هیئت علمی، تناسب بین تحصیل و اشتغال، تناسب پژوهش و مسائل و نیازهای کشور، تحول در برنامه‌ریزی آموزشی و درسی و مهارت‌آموزی را فراهم می‌نماید؛
- لایه دوم مسئله: **ضعف ارتباط دانشگاه با جامعه، صنعت و دستگاه‌های اجرایی** در لایه دوم تحول آموزش عالی قرار دارد که به عنوان «بستر میانی» تحول عمل می‌کند. زمینه‌ها، نقشه و موضوعات این ارتباط را آمایش آموزش عالی فراهم می‌کند و با شکل‌گیری ارتباط بین نهاد دانشگاه و نهاد جامعه، صنعت و دستگاه‌های اجرایی، هدف تحول که تحقق مأموریت‌گرایی، پاسخگویی و نقش‌آفرینی در حل مسائل، رفع نیازها و پیشرفت کشور و کسب مرجعیت علمی است، فراهم می‌شود؛
- لایه سوم مسئله: **ناکارآمدی نظام تأمین مالی آموزش عالی و علم و فناوری** است؛
- لایه چهارم مسئله: **نظام ارتقاء اساتید در هدایت و جهت‌دهی آنها به سمت فعالیت‌های مطلوب و اثربخش** است؛

- لایه پنجم مسئله: نبود نظام نظارت و اعتبارسنجی مناسب برای رتبه‌بندی و تضمین کیفیت آموزش عالی، علم و فناوری است.

لایه‌های سوم، چهارم و پنجم مسائل نیز به عنوان ابزارهای حکمرانی تلقی می‌وند که ابزارهای پشتیبان و حمایتی تحول آموزش عالی تلقی می‌شوند و با مداخله و تنظیم‌گیری آنها می‌توان نظام حکمرانی آموزش عالی و علم و فناوری کشور را جهت داد.

نقش و جایگاه آئین‌نامه ارتقاء در جهت‌دهی و نظام‌مند نمودن فعالیت‌های اعضای هیئت علمی، رشد پرشتاب تولیدات علمی و ارتقاء رتبه و جایگاه علمی کشور در منطقه و جهان

ایشان در ادامه و بعد از تبیین جایگاه نظام ارتقاء اساتید در نظام مسائل آموزش عالی، علم و فناوری کشور، با اشاره به برخی از روندها، آمارها، نمودارها و داده‌های علم‌سنجی کشور، نقش و جایگاه آئین‌نامه ارتقاء را در جهت‌دهی و نظام‌مند نمودن فعالیت‌های اعضای هیئت علمی، رشد پرشتاب تولیدات علمی و ارتقاء رتبه و جایگاه علمی کشور در منطقه و جهان مورد بررسی قرار دادند و چنین بیان داشتند:

در سال ۲۰۰۳-۲۰۰۴ (اوایل دهه ۸۰)، رشد مقالات علمی ایران در عرصه بین‌المللی جهش داشت. علت آن هم قرار گرفتن بند مقالات علمی-پژوهشی و ISI برای اولین بار در آئین‌نامه ارتقاء و تعلق امتیاز به آن گرفت. این نشان می‌دهد آئین‌نامه ارتقاء چقدر می‌تواند ما را جهت‌دهی کند. ما می‌توانیم با تغییر و تنظیم‌گری مناسب در آئین‌نامه ارتقاء، پژوهش‌ها و مقالات را به سمت مسأیل و نیازهای کشور جهت‌دهی کنیم. این تغییر ما را به مسیر درست‌تری می‌برد. تاکنون هرچه روند رشد مقالات بیشتر شده، شکاف با حل مسائل کشور بیشتر شده که باید این دو را به هم نزدیک کنیم. باید آئین‌نامه را طوری طراحی کنیم که به سمت حل مسائل کشور باشد. بیشترین مطالبه مقام معظم رهبری نیز از دانشجویان و اساتید دانشگاه‌ها همین نکته است که پژوهش‌ها به سمت حل مسائل و نیازهای کشور برود. یک جایی این مسائل و نیازها در حوزه پژوهش‌های کاربردی است، یک جاهایی در حوزه پژوهش‌های توسعه‌ای و یک جاهایی نیز در حوزه پژوهش‌های بنیادی و بسط فناوری است.

مطالعه تطبیقی نظام ارتقاء مرتبه علمی در دانشگاه‌های برتر دنیا و منطقه و توصیه‌های سیاستی برای نظام ارتقاء اساتید دانشگاه‌های کشور

رشید حاجی خواجه لو، با اشاره به مطالعات تطبیقی انجام شده درباره آئین‌نامه ارتقاء در ۲۳ دانشگاه برتر دنیا و منطقه، چند توصیه سیاستی را نیز پیشنهاد دادند. در ادامه برخی از این توصیه‌ها به صورت مختصر آورده شده است:

- بحث کیفیت پژوهش‌ها در دنیا صرفاً به تعداد پژوهش‌ها نیست. بلکه در کمیته ارتقاء خود متقاضی ارزیابی حضور پیدا می‌کند و سه چهارتا از پژوهش‌های اصیل خود را برای ارزیابی معرفی می‌کند و کیفیت و اثرگذاری پژوهش‌ها در حل مسائل کشور و رشته تخصصی بررسی می‌شود؛
- ویژگی دیگر نظام ارتقاء در دانشگاه‌های برتر دنیا این است که شهرت و اعتبار متقاضی ارتقاء در سطح ملی و بین‌المللی بررسی می‌شود. اگر کسی متقاضی ارتقاء از مرتبه استادیاری به مرتبه دانشیاری است، می‌بایست در کشور خود در سطح ملی شناخته شده باشد و برای ارتقاء به مرتبه استادی، حتماً باید در عرصه بین‌المللی شناخته شده باشد و این یک معیار الزامی است؛
- داشتن آثار تک مؤلفی برای ارتقاء به مرتبه استادی الزامی است؛
- هم‌راستایی و هدفمندی دستاورد سال‌های مختلف یک عضو هیئت علمی که نشانگر جایگاه و مرجعیت استاد در آن حوزه تخصصی است، در ارزیابی‌های اهمیت اساسی دارد.

نقدهای وارده به آئین‌نامه فعلی ارتقاء

مهم‌ترین بخش این نشست به آسیب‌شناسی و بررسی انتقادی آئین‌نامه فعلی اختصاص داشت. ایشان برخی از آسیب‌ها و نقدها را به تفکیک؛ نقد کلیات آئین‌نامه، نقد ماده تربیتی، فرهنگی و اجتماعی، نقد ماده آموزشی، نقد ماده پژوهشی و فناوری و نقد ماده علمی – اجرایی و به شرح ذیل مورد بحث و بررسی قرار دادند:

➤ نقدهای وارده به کلیات آئین‌نامه

اشکال جدی آئین‌نامه ارتقاء فعلی، یکسان‌نگری و عدم توجه به تنوع مأموریتی زیرنظام‌ها، علوم و رشته‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی است. ما زیر نظام‌های مختلفی داریم، علوم مختلفی داریم، رشته‌های متفاوتی داریم که ماهیت و الزام و زیرساخت پژوهشی متفاوتی دارند. الان می‌شنویم که می‌گویند باید آئین‌نامه ارتقاء را یکپارچه و یکی کنیم؛ یعنی آئین‌نامه ارتقاء اساتید وزارت بهداشت که مستقل از آئین‌نامه وزارت علوم است، یکی اشود، ولی با شیوه‌نامه‌های اجرایی مختلف. اینکه ارتقاء استاد دانشگاه پیام نور و دانشگاه صنعتی شریف و دانشگاه فرهنگیان

یکی باشد، غلط است. ما یک آئین‌نامه پیشنهادی نوشتیم و همه اینها را معیارگذاری کردیم. آئین‌نامه پیشنهادی ما صرفاً برای دانشگاه‌های دولتی، دانشگاه‌های آزاد اسلامی و دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی وابسته به دستگاه‌های اجرایی است. پینشها ما این است در آئین‌نامه ارتقاء اساتید دانشگاه فرهنگیان، به جای ماده پژوهش و فناوری ماده دانش پژوهی داشته باشیم که مرتبط با مأموریت و فعالیت‌های دانشگاه که تربیت «معلم» است، می‌باشد. آئین‌نامه دانشگاه‌های پیام نور و فنی و حرفه‌ای نیز باید متناسب با مأموریت‌هایی که دارند، طراحی شود. لذا ارزیابی و متر کردن اینها با یک خط‌کش اشتباه است.

یک اشکال جدی دیگر که به کلیت آئین‌نامه وارد است، بحث کمیت‌گرایی در فعالیت‌ها می‌باشد که هم در ماده آموزشی هست و هم در ماده پژوهشی. در ماده آموزش که عنوان «فعالیت‌های آموزشی» است، بند اصلیش شده کمیت تدریس. خب اگر قرار است صرفاً کمیت تدریس را ارزیابی کنیم، عنوان آن را فعالیت‌های تدریس بذاریم. چون فعالیت‌های آموزشی فراتر از تدریس هست. بحث بازنگری برنامه‌های درسی، داشتن طرح درس، آموزش‌های مهارتی، کاربردی، سرآمدی در آموزش و غیره هست. ما همه اینها را در آئین‌نامه قبلی نادیده گرفته‌ایم و تقلیلش دادیم صرفاً به کمیت تدریس. کمیت تدریس یک بند بی‌خاصیتی است، چرا که با توجه به تعداد واحدهای مؤظفی تدریس که اساتید دارند، امتیاز این بند خود به خود پر می‌شود. استاد شش ساعت مؤظفی دارد، آن را می‌رود تدریس می‌کند. حداقل امتیازات را هم کسب می‌کند. بحث کمیت‌گرایی در ماده پژوهش هم دیده می‌شود. در کمیسیون‌ها و کمیته‌های تخصصی، در ارزیابی طرح‌های پژوهشی و مقالات عمدتاً به شمارش مقالات اکتفا می‌شود. اینکه این طرح‌های پژوهشی و مقالات، چه مسئله یا مسائلی از مسائل کشور را حل کرده است، سؤال نمی‌شود. این‌ها در موارد ارزیابی کمیته‌ها خیلی دیده نمی‌شود. به ضوابط کیفی در بحث تدوین کتب نیز توجه نمی‌شود. ما در شیوه‌نامه اجرایی آئین‌نامه پیشنهادی گفتیم اگر کتب تألیفی اساتید را می‌خواهید ارزیابی کنید، با ضوابطی که ارائه دادیم، می‌توانید اثربخشی کیفی آن کتب را ارزیابی کنید. اگر قرار است کتاب ارزیابی شود، ببینید چقدر در توسعه دانش در حوزه تخصصی اثرگذار بوده است. این کتاب نسبت به کتب موجود، چه نوآوری و ارزش افزوده‌ای دارد، کجا منتشر شده؟ شهرت ناشر چقدر است؟ اینها را باید ببینیم. در راستای ارزیابی کیفیت فعالیت‌های پژوهشی، ما علاوه بر آئین‌نامه، شیوه‌نامه را هم اصلاح کردیم. گفتیم اگر کسی بخواهد از استادیاری به دانشیاری ارتقاء یابد، خودش از میان مقالات، کتب و پایان‌نامه‌های راهنمایی شده، چند مورد از آنها را که به بهترین وجه دستاوردهای پژوهشی‌اش را نشان می‌دهد، برای ارزیابی

تخصصی امتخاب و پیشنهاد دهد. الان اگر از خیلی از استاد پرسیم، بهترین مطالعه‌ای که انجام دادی نام ببرید، شاید بماند. ما گفتیم باید کمیته ارزیابی برگزار شود و اساتید در این کمیته‌ها حضور یافته و حضوراً از دستاوردها و کیفیت پژوهش‌های منتخب خود دفاع کنند. ما در مطالعات تطبیقی، سؤالاتی را هم برای ارائه در جلسه ارزیابی شناسایی کردیم. برخی سؤالات را ارزیاب فعالیت‌های علمی باید پاسخ دهد، مثلاً مهم‌ترین دستاورد پژوهشی متقاضی در حوزه تخصصی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ متقاضی ارتقاء را با کدامیک از اساتید و دانشمندان کشور یا بین‌المللی مقایسه می‌کنید؟ و یا برابر می‌دانید؟ آیا کمیت کارهای ایشان با کیفیت آنها تناسب دارد؟ آیا متقاضی در گروه شما بود، برایش شایستگی برای ارتقاء پیدا می‌کنید یا نه؟ این معیارهایی است که در شیوه‌نامه‌ی اجرای آئین‌نامه پیشنهادی آورده شده است.

➤ نقدهای مرتبط با ماده تربیتی، فرهنگی و اجتماعی آئین‌نامه

اولین ماده آئین‌نامه، ماده تربیتی، فرهنگی و اجتماعی است. حالا شما این عناوین آئین‌نامه را بند به بند آئین‌نامه فعلی مقایسه کنید. در آئین‌نامه فعلی، عمدتاً بر حضور اساتید در جلسات معرفت‌افزایی و امثال آن که لازم هم است، تأکید شده است و به آن شأن تربیتی و اجتماعی که اساتید در قبال دانشجویان باید داشته باشد، کم‌توجهی شده و بیشتر بر شأن فرهنگی خود استاد توجه شده است و رسالت اساتید در نسبت دانشجویان از جمله بحث شاگردپروری دیده نشده است. لذا، در آئین‌نامه فعلی، ما فعالیت‌های تربیتی، فرهنگی و اجتماعی را تقلیل دادیم به دوره‌های معرفت‌افزایی و دریافت گواهینامه و غیره. با توجه به خلاءها و ضعف‌های این ماده، در آئین‌نامه ارتقاء پیشنهادی، این ماده را سه سطح طراحی کرده‌ایم:

- **مسئولیت فردی اساتید:** شرکت در دوره‌های معرفت‌افزایی و کارگاه‌های دینی، سیاسی و فرهنگی. (اساتید نسبت به مسائلی که در دانشگاه و جامعه در حال وقوع است، مسئولیت‌هایی دارند)؛
- **شاگردپروری:** بحث شاگردپروری در آئین‌نامه‌های قبلی اصلاً نبوده است. ۹ بند برای آن طراحی شده (البته بنا نیست همه در هر بند امتیاز بیاورند). شاگردپروری بسیار مهم است؛ دانشجو باید بتواند با مسائل واقعی حوزه تخصصی ارتباط بگیرد. به عنوان مثال خیلی از دانشجویانی که در رشته آموزش عالی وارد دانشگاه می‌شوند، با نظام مسائل و اسناد بالادستی آموزش عالی آشنا نیستند. در رشته‌های دیگر هم به همین صورت است. این مسئولیت استاد است که دانشجویان را با این مسائل و اسناد بالادستی آشنا کند.

- **مسئولیت اجتماعی:** اساتید در نسبت مسائل و روندهای جامعه نیز مسئولیت‌های دارند، بندهایی نیز برای ایفای نقش و تحقق این مسئولیت‌ها پیشنهاد شده است.

➤ **نقدهای مرتبط با ماده آموزشی آئین‌نامه**

در بحث ماده آموزشی، نگاه مهارتی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و اسن ماده به کمیت تدریس تقلیل پیدا کرده است. ما کیفیت تدریس را مدنظر قرار دادیم و اینکه استاد حتماً باید طرح درس داشته باشد. باید اینها را وسیع‌تر کنیم به بازنگری در برنامه‌های درسی، محتوای درسی، نوآوری آموزشی، سرآمدی آموزشی و غیره. راهنمایی و مشاوره پایان‌نامه و رساله از ماده پژوهشی باید به ماده آموزشی منتقل شود و اساتید از این بند، امتیاز آموزشی بگیرند که در برخی از دانشگاه‌های برتر خارج از کشور نیز این امر رایج است. چرا که فعالیت راهنمایی و مشاوره پایان‌نامه، به نوعی فعالیت آموزشی است تا پژوهشی. چون اینجا استاد نقش مستقیم در پژوهش ندارد، بلکه راهنمایی پژوهشی می‌کند.

در بحث کیفیت تدریس، یکی از بندهایی که می‌توان در نظر گرفت، داشتن طرح درس و پایبندی به آن و اجرای آن در طول دوره است. منابع ارزیابی را نیز می‌توان وسیع‌تر در نظر گرفت. صرفاً از نظرات دانشجویان استفاده نشود؛ بلکه خود ارزیابی متقاضی، ارزیابی هم‌تایان، ارزیابی مدیر گروه، ارزیابی دانش‌آموختگان ممتاز از کیفیت تدریس متقاضی ارتقاء لحاظ شود.

یکی از مسائلی که ما در بسیاری از دانشگاه‌ها حتی در دانشگاه‌های برتر کشور داریم، این است که در مقطع کارشناسی، اساتیدی که دارای مرتبه علمی دانشیار و استاد هستند، تدریس نمی‌کنند و تدریس دروس این مقطع را بیشتر به تازه‌دانش‌آموختگان و یا دانشجویان دکتری واگذار می‌کنند. این در حالی است که بحث تربیتی و شاگردپروری در همین مقطع کارشناسی اتفاق می‌افتد. ما پیشنهاد داریم کسانی که متقاضی ارتقاء باید حداقل دو واحد درسی در مقطع کارشناسی ارائه دهند.

نکته دیگر اینکه الان مسیر ارتقاء برای اساتید یکسان است، یعنی همه باید پژوهش کنند، همه باید فعالیت آموزشی داشته باشند. ما بر اساس مطالعات تطبیقی، مصاحبه با اساتید و هیئت ممیزه دانشگاه‌ها و بررسی اسناد و مدارک گفتیم در صورتی که عضو هیئت علمی، عملکرد برجسته و شاخص در کیفیت تدریس (اخذ حداقل امتیاز ۱۸/۵ از ۲۰ در تدریس) و مرجعیت ملی در سایر حوزه‌های آموزشی داشته باشد (به طور مثال، کتاب X ایشان در سطح دانشگاه‌های کشور مرجعیت داشته باشد و به عنوان منبع اصلی تدریس شود) و عملکرد قابل قبول در ماده

تربیتی داشته باشد و یک سوم حداقل امتیاز ماده پژوهشی را بیاورد و حداقل‌ها را در ماده اجرایی آورد، با تایید هیئت ممیزه مرکزی وزارت علوم می‌تواند ارتقاء بگیرد.

➤ نقدهای مرتبط با ماده پژوهش و فناوری آئین‌نامه

ما پژوهش را به مقاله تقلیل داده‌ایم و ارتقاء نیز مقاله‌محور شده است، آن هم مقالاتی که نسبتی با مسائل کشور ندارند. مقالات و طرح‌های پژوهشی مسأله‌محور باشند، اختراعات باشد، فن‌آوری‌های پیشرفته باشد، در حوزه صنایع دانش بنیان باشد. در آیین‌نامه ارتقاء امتیاز اینها کم و امتیاز مقاله بسیار زیاد است. کار بدیع علمی که مسأله‌محور باشد، زمان‌بر است. با توجه به اینکه در آئین‌نامه فعلی، طرح‌های پژوهشی با ۳ مقاله علمی و پژوهشی جایگزین می‌شود، این باعث شده است، اساتید کمتر به پژوهش مسأله‌محور را انتخاب و ورود کنند. بر این اساس، باید معیارهای پژوهش را تغییر دهیم تا انگیزه‌ای در اساتید ایجاد شود. ما نمی‌گوییم امتیاز مقاله را کم کنیم، قد مقاله را کم کنیم، بلکه می‌گوییم قد طرح‌های پژوهش را زیاد ببریم.

بر اساس تعداد مقالات، رتبه یک یا دو منطقه و رتبه ۱۶-۱۵ دنیا را در تولید علم داریم که وضعیت کمی پژوهش‌های ماست. اما در شاخص‌هایی که تا حدی می‌توان گفت بیانگر کیفیت پژوهش هستند، وضعیت‌مان خوب نیست. یکی از شاخص‌ها، شاخص CPP است. یعنی به هر مقاله ما، چقدر استناد می‌شود. نقشه جامع علمی کشور برای سال ۱۴۰۴ گفته این شاخص باید به عدد ۱۵ برسیم. ما با این عدد هنوز خیلی فاصله داریم. کشورهای منطقه با اینکه رتبه تولیدات علمی آنها پایین‌تر از ما قرار دارد، اما وضعیت‌شان در رتبه ارجاعات (CPP) از ما بهتر است، در حالی که تعداد و رتبه تولید علم ما بیشتر است. رتبه جهانی تأثیر دانش ما ۸۶ است. رتبه جهانی ارتباط دانشگاه با صنعت ما ۱۲۲. رتبه جهانی کاربست دانشمان ۱۲۲ است. رتبه اشتغال دانش‌بنیان ۸۰ است. رتبه‌های جهانی خروجی‌های دانشی و فن‌آوری ۵۹ است. همه این شاخص‌ها به ما می‌گویند که کیفیت تولیدات علمی ما مطلوب نیست.

در بحث ارتقاء اساتید، مقام معظم رهبری نمی‌گویند مقاله را حذف کنیم و ارتقاء بر مبنای مقاله انجام نشود، بلکه می‌فرمایند:

- جایگاه و وزن مقاله در نظام ارتقاء اساتید در مقایسه با سایر فعالیت‌های پژوهشی منطقی نیست (همه چیز مقاله نشود)؛
- مقاله ناظر به نیازهای کشور باشد؛ نتایج بررسی مقالات منتشر شده در نشریات حوزه علوم اجتماعی نشان داده است که ۹۷٪ مقالات منتشر شده در داخل فاقد کاربرد بوده است. ما در

حوزه‌های مختلف این همه مقاله داریم، ولی نه تنها مسائل این حوزه‌ها حل نشده است، بلکه عمیق‌تر و بحرانی‌تر نیز شده است؛

- و از همه اساتید مقاله نخواهیم (کسی که می‌خواهد از طریق فعالیت آموزشی و فناوری و امثال آن می‌خواهد ارتقاء پیدا کند، دیگر این ماده نباید برایش موضوعیت داشته باشد).

یکی دیگر از نقدها در ارزیابی فعالیت‌های ماده پژوهش و فناوری این است که ما در آئین‌نامه فعلی، انتظاراتمان از اساتید با مرتبه استادی، دانشیار و استادیار یکی است. در حالی که نباید اینطوری باشد. ما انتظاراتمان از آنها را باید متناسب با توانمندی و مرتبه علمی‌شان تعریف کنیم. مثلاً اعضای هیئت علمی متقاضی ارتقاء به مرتبه استادی با توجه به انباشت علمی که دارند، نسبت به سایر اساتید، باید در راهنمایی و مشاوره دانشجویان دکتری نقش‌آفرینی کنند و یا دانش و تجارب تخصصی انباشته خود را در تدوین کتب تخصصی و تک مؤلفی به کار بگیرند. و اینکه اگر متقاضی ارتقاء در طول دوره ارتقاء، ۲۰-۱۰ پایان‌نامه و رساله راهنمایی و مشاوره می‌کند، حداقل ۳ مورد آنها در مقطع کارشناسی ارشد و ۲ مورد آنها در مقطع دکتری، ناظر به مأموریت‌گرایی و به حل مسائل و رفع نیازهای کشور باشد.

همان‌طور که اشاره شد، ما در ارتقاء اساتید، نباید از همه اساتید مقاله بخواهیم. بلکه می‌توان از فعالیت‌ها و مسیرهای مختلف ارتقاء داد. اگر یک هیئت علمی، اکتشاف یا اختراع اقتدارآفرین برای مملکت داشت که منجر به تولید محصول شد یا فناوری یا فرآورده و امثال آن شد، کل امتیاز ماده پژوهشی را یکجا بهش بدیم و برای اینکه بحث سلیقه و اینها هم پیش نیاید، با تأیید هیئت ممیزه مرکزی وزارت علوم باشد. در حوزه علوم انسانی نیز می‌توان این رویکرد را در بند نظریه‌پردازی اعمال نمود. اگر استادی در حوزه تخصصی خود، نظریه‌ای با درجه عالی ارائه داد، می‌توان با تأیید هیئت کرسی‌های نظریه‌پردازی، کل ماده پژوهشی را یکجا بهش داد و دیگر نگوییم کتابت کجاست، مقاله‌ات کجاست و امثال آن.

➤ **نقدهای مرتبط با ماده علمی - اجرایی آئین‌نامه**

اشکال مهمی که به این ماده وارد است، این است که عمده بندهای ماده علمی-اجرایی در آئین‌نامه فعلی ماهیت اداری-اجرایی دارد تا علمی - اجرایی. با اضافه کردن برخی از فعالیت‌ها از جمله؛ فرصت مطالعاتی اساتید در جامعه، صنعت و دستگاه‌های اجرایی کشور (به صورت مستقل و یا با دستیاری دانشجویان دوره تحصیلات تکمیلی)، همکاری، مشاوره به نهادهای

سیاستگذاری، قانون‌گذاری و اجرایی، اثربخشی اجتماعی و کاربست دستاوردهای پژوهشی و فناوری و امثال آن و اعطای امتیاز ویژه به آنها، می‌توان وجه علمی این ماده را توسعه داد. به طور مثال، اگر عضو هیئت علمی گزارش پژوهش خود را به سند سیاستی تبدیل کرد و در همکاری و تعامل با دستگاه مخاطب، در اصلاح و تدوین اسناد سیاستی آن نقش مؤثر داشت، به این فعالیت امتیاز ویژه در نظر بگیریم.

در پایان جلسه نیز پرسش‌هایی از سوی حضار و شنوندگان مطرح شد که ایشان به آنها پاسخ دادند.